

واکنش

جوابیه

● **دکتر علی آهون‌مش:** در صفحه ۱۶ روزنامه وزین «شرق»، روز چهارشنبه شماره ۳۶۹۵ مقاله‌ای با عنوان «شهریه دانشگاه و کووید۱۹» از آقای احسان یارمحمدی به چاپ رسیده و نویسنده محترم با قلمی شیوا، به شرح خسارات ناشی از بیماری کرونا در مقایسه‌های بزرگ و کوچک پرداخته و از خسارات شدید و شوک‌آور آن بر طبقه فرودست جامعه سخن به میان آورده و یادآوری کرده‌اند که رسانه‌ها را تأثیر مخرب بیماری بر «توانایی پرداخت شهریه دانشجویان شهریه‌پرداز» غافل مانده‌اند و با اشاره به عدم توانایی پرداخت شهریه از سوی دانشجویان (یا والدین آنها) این سؤال را مطرح کرده‌اند که آیا باز هم شهریه‌های ثابت و متغیر این دانشگاه‌ها باید به همان نسبت قبلی باشد؟ ایشان پیشنهاد کرده‌اند به‌منظور رعایت عدالت آموزشی، شهریه ثابت و متغیر دانشگاه‌های پولی متناسب با نوع آموزشی‌که ارائه می‌کنند، تقلیل یابد. به‌منظور آشنایی ایشان و عموم جامعه با وضعیت دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های غیرانتفاعی و نوع آموزش‌های در دست انجام در این مجموعه و در پاسخ به مقاله ایشان، به نقد مختصری پرداخته‌ام و از حضرت‌عالی و سریدیر محترم، تقاضا می‌کنم به هر نحو که صلاح بدانید، دستور چاپ آن را عنایت بفرمایید.
قریب به ۳۰۰ دانشگاه و مؤسسه غیرانتفاعی با کسب مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در کشور مشغول فعالیت هستند. این مجموعه عظیم با سیلیاردها میلیارد تومان سرمایه‌گذاری و احداث میلیون‌ها متر ساختمان و به‌کارگیری ده‌ها هزار نفر نیروی انسانی (کارمند، عضو هیئت‌علمی پیوسته و حق‌التدریسی) و پذیرش نزدیک به ۹ درصد از کل آموزش عالی کشور، کمک بزرگی را در ایجاد اشتغال و آموزش جوانان بر عهده گرفته و به دولت یاری می‌رسانند. دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های غیرانتفاعی از ابتدای ترم جاری (بین نیمه دوم بهمن تا نیمه اول اسفند ۹۸) حداقل سه تا چهار هفته از ترم را به صورت حضوری برگزار کرده‌اند، اما به دلیل شیوع کووید-۱۹ به صورت همه‌گیر، ستاد مرکزی مبارزه با کرونا حکم به تعطیلی موقت دانشگاه‌ها داد و با توجه به احتمال طولانی‌شدن این تعطیلی، برگزاری بخشی از کلاس‌ها به صورت غیرحضوری اجتناب‌ناپذیر شد. از آن پس، در راستای اجرای دستورالعمل‌های دولت و برای تداوم ترم، دانشگاه‌های غیرانتفاعی حداکثر تلاش خود را برای برگزاری کلاس‌ها به صورت غیرحضوری (در انواع حالات متصور) به عمل آورده و آماده

هستند در بهترین حالت و با بیشترین بهره‌وری و پس از آنکه ستاد مرکزی مبارزه با بیماری کرونا اجازه داد، بخش‌های باقی‌مانده از دروس را به صورت حضوری ادامه داده و ترم را به پایان برسانند. تمام هزینه‌های مرتبط در این نظام (پرداخت حقوق و مزایای کارکنان و اعضای هیئت‌علمی و پرداخت حق‌التدریس‌ها و نیز هزینه خوابگاه‌ها، پرداخت به پیمانکاران تغذیه و سایر هزینه‌های جاری) فقط از محل شهریه دانشجویان تأمین می‌شود. هر مؤسسه یا دانشگاهی برای ماه‌های ترم دوم (و ماه‌های تابستان) حداقل برای هشت ماه باید تمام هزینه‌های پاشده را از محل شهریه دریافتی از دانشجویان تأمین کند. طبیعی است که هرگونه تغییر در مبالغ شهریه، موجب ناتوانی در پرداخت حقوق و مزایای کارکنان و اعضای هیئت‌علمی و اختلال در زندگی افراد، بروز مشکلات بیمه‌ای و سختی فراوان در تداوم زندگی آنان می‌شود. علاوه بر مشکلات فوق، بروز مجموعه‌ای از مشکلات پیش‌بینی نشده نیز بر حجم مضایق جاری افزوده است، از جمله اینکه دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های غیرانتفاعی برای آماده‌سازی بستر آموزش‌های غیرحضوری و استفاده از خطوط پرسرعت اینترنت و آموزش کاربران و خرید سامانه‌های مدیریت آموزش مجازی، هزینه‌های سنگین مضاعفی را متحمل شده‌اند که در بودجه آنان پیش‌بینی نشده بود. همچنین به علت طولانی‌شدن ترم جاری و عدم امکان برگزاری ترم تابستانه، درآمدهای ناشی از ترم تابستانه حذف شده است. همچنین وزارت علوم به دلیل شرایط اضطراری موجود به دانشجویان اجازه داده است در صورت تمایل و در چارچوب مقررات، تعدادی از واحدها را حذف یا از کل ترم انصراف بدهند که موجب کاهش درآمدهای پیش‌بینی‌شده می‌شود. همچنین هزینه فعالیت خوابگاه‌های دانشجویی که به دلیل بیماری کرونا تخلیه شده‌اند هنوز بایرجاست. وقوع ۴۰ درصدی تورم همراه با افزایش حقوق و مزایای کارکنان (بر اساس قانون)، افزایش حقوق و مزایای کارکنان (بخش خصوصی) وارد کرده است. جای سپاسگزاری می‌بود اگر جناب آقای یارمحمدی با آگاهی بیشتر از مشکلات عظیم بخش خصوصی در آموزش عالی پیشنهاد می‌دادند:

■ **شهریه ترم جاری به‌منظور کمک به دانشجویان** توسط صندوق رفاه دانشجویان، مستقیماً به دانشگاه‌ها و مؤسسات پرداخت شود تا به نوعی جبران بی‌کارشدن دانشجویان یا والدین آنها و تشویق آنان به ادامه تحصیل فراهم شود.

■ **یارانه تحصیلی ویژه دانشجویان شاغل** به تحصیل در دانشگاه‌های غیرانتفاعی (مانند سایر اقشار) از محل کمک‌های دولتی تأمین شود.

■ **تسهیلات** بدون بهره یا از ان قیمت دولتی از مجموعه کمک‌هایی که دولت محترم تصویب کرده به دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های غیرانتفاعی پرداخت شود.

■ **پرداخت بیمه و حقوق** کارکنان و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های غیرانتفاعی (به‌منظور جلوگیری از تعدیل نیرو و اخراج کارکنان) برای ماه‌هایی که به اجبار و به حکم قانون تعطیل بوده (اما دانشگاه‌ها مجبور به پرداخت حقوق آنان بوده‌اند) صورت گیرد.

دبیرکل اتحادیه دانشجویان غیرانتفاعی و مؤسسه‌های آموزش عالی غیردولتی- غیرانتفاعی

شترت روزنامه

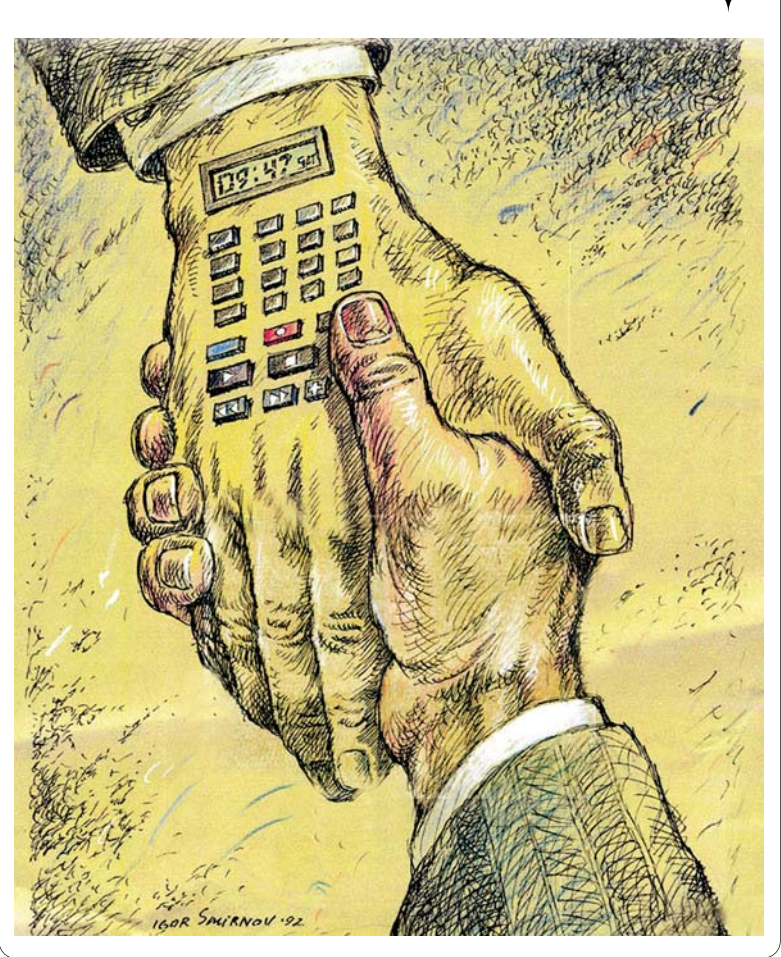
www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۹ • ۲۶ شعبان ۱۴۴۱ • ۲۰ آوریل ۲۰۲۰
سال هفدهم • شماره ۳۶۹۹ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۳ • اذان مغرب ۲۰:۰۱ • اذان صبح فردا ۴:۵۴ • طلوع آفتاب ۶:۲۴

روزنفرها

کارتون خواب

ایگور اسمیرنوف



همین حوالی

تاریک و روشن تأثیر کرونا بر کسب‌وکارها

همه‌گیری کرونا در دنیا اثرات سنگین اقتصادی در پی داشته است. کسب‌وکارهای زیادی تحت‌تأثیر قرار گرفتند و همچنین نگرانی‌هایی درخصوص افزایش آمار بی‌کاری به وجود آمده است. در ایران هم اثرات آن خیلی زود پدیدار شد، به‌ویژه اینکه مصادف‌شدن آن با تعطیلات سال نوی ایرانی موجب شد تا کسب‌وکارهایی که روی درآمد ویژه شب عید حساب باز کرده بودند با دشواری‌هایی مواجه شوند. خیلی زود هم اخبار تعدیل نیرو در برخی کسب‌وکارها به گوش رسید. کسب‌وکارهای خدمات مسافرت و رزرو هتل و اقامتگاه از اولین جاهایی بودند که از سنگین این بحران اقتصادی را درک کردند. هنوز سال ۹۸ به پایان نرسیده بود که اخباری از تعدیل نیروی گسترده در یکی از این شرکت‌های خدمات مسافرتی در رسانه‌ها منتشر شد. اساسا کسب‌وکار خدمات اقامتی و گردشگری با توجه به اینکه بهترین فصل کسب‌وکارشان را از دست دادند، با مرارت‌های مالی فراوانی مواجه شدند. وضعیت به‌گونه‌ای پیش رفت که مونسان، وزیر گردشگری، هم پیشنهاد داد برای جبران خسارت‌های مالی اقامتگاه‌ها و شرکت‌های خدمات مسافرتی بعد از اتمام همه‌گیری کرونا چند روزی در کشور تعطیل اعلام شود تا مسافرت‌ها از سر گرفته شود. اما



به میدان آمدند و خطوط تولید جدیدی را به راه انداختند. بعد از این گروه، سوپرمارکت‌های آنلاین و میوه‌و تره‌بارفروشی‌های آنلاین هم این روزها کارشان رونق فراوانی یافته است. علاقه مردم به درخانه‌ماندن موجب شده تا خیلی‌ها مایحتاج روزانه‌شان را از این طریق تأمین کنند. اگرچه استفاده از این پلتفرم‌ها ایراداتی داشت و به نظر آماده ارائه خدمت به چنین حجمی از مشتریانی نبود، ولی بااین‌حال شاید این رشد تقاضا کمک کند تا وضعیت آنها بهتر شود. شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات گفت‌وگو و برگزاری جلسات آنلاین هم از دیگر کسب‌وکارهایی بودند که این روزها تقاضای زیادی را تجربه کردند، ولی سطح خدمتشان متناسب با تقاضا نبود.

همه می‌پرسند دنیای پساکرونا چگونه دنیایی خواهد بود؟ و همه هم پاسخ‌هایی از پیش آماده دارند. بدون تردید کرونا همچون طاعون قرون وسطی یا انفجار برج‌های دوقلوی، جهانی ذاتا متفاوت رقم خواهد زد؛ ولی چگونه و تا چه حد و در چه زمینه‌هایی؟ پاسخ‌هایی می‌توان داد؛ اما قطعا این یکی از آزمون‌هایی است که تنها محک تجربه و گذر ایام آن را روشن خواهد کرد؛ رودخانه جادو که مثل همیشه همه را شگفت‌زده خواهد کرد. در زمینه پزشکی و مسائل مربوط به سلامت، پیشاپیش می‌توان حدس‌هایی زد. شاید مهم‌ترین پیام کرونا آن باشد که در دوران دیجیتالی، آن هم با این گستردگی، سلامت جز در معنای اجتماعی آن، در هیچ تعبیر دیگری نمی‌گنجد. چگونه می‌توانی از سلامت خود اطمینان داشته باشی درحالی‌که کالبدی در همسایگی‌ات محیط کشت میلیون‌ها ویروس شده و چیزی از درون دارد توان او را در این مصاف سهمگین می‌فرساید؟ چیزی مربوط به دشواری‌ها و امکانات او. ویروس کرونا سلامت را از مطب‌ها و کلینیک‌های خصوصی خواهد ربود و به خانه‌های بهداشت، به پزشک خانواده و به امکانات اجتماعی خواهد سپرد. مصاف پیروزمندانه جوامعی که از پیش چنین بسترهایی را آماده داشتند، پیش‌روی ماست.

تأثیر مهم دیگر کرونا بر سست‌کردن بنیاد فردگرایی و سرمایه‌داری است؛ آن هم درست در همان مکانیسم‌هایی که تاب‌آوری این سیستم را حتی در زمان پیشرفت‌های دیجیتالی و هوشمند

برای رهایی از کرونا امروز بیش از هر چیز نیاز به آرامش در جامعه داریم». این جمله سخنگوی محترم دولت در یادداشت منتشرشده در روزنامه دولتی ایران، و البته آرزوی همه دولت‌هایی است که اکنون درگیر کووید ۱۹ هستند. اما آیا در زمانه کرونا آرامش به‌سادگی در انسان‌ها ایجاد می‌شود؟ یک جست‌وجوی ساده در فضای وب به ما نشان می‌دهد که آرامش در نایابی است که اکنون جهان کرونایی به دنبال آن است. اکنون مطالب فراوانی در سایت‌های متعدد اینترنتی منتشر شده است که حاوی توصیه‌های روان‌شناسان و مشاوران برای کسب آرامش در زمانه فعلی است. فراوانی این مطالب نشانه تقاضای زیادی است که در جوامع مختلف وجود دارد و البته نشانه ناآرامی وجود انسان‌ها در اقصی نقاط زمین است. اما این همه ناآرامی به چه دلیل رخ داده و آیا نهاد ناآرام جهان فقط به توصیه‌ای به آرامش می‌رسد؟ تحقیقات روان‌شناسان نشان می‌دهد که انسان‌ها همیشه در برآورد و ارزیابی خطری که همراه با ابهامات فراوانی است، عملکرد بدی دارند و این خطرات را با بیش‌از‌حد بزرگ جلوه می‌دهند یا به آن به‌طورکلی بی‌اعتنا هستند.

سونیا پیشاپ، استاد روان‌شناسی دانشگاه برکلی کالیفرنیا که درباره نحوه تأثیر اضطراب بر تصمیم‌گیری، تحقیقاتی را انجام داده است، می‌گوید این واقعیت (بزرگ یا کوچک‌دانستن خطر) به‌ویژه اکنون که در دوران پاندمی می‌شویم سخت‌تر خواهد بود که مغزمان دارد. پیام‌های متناقض از راه رسانه‌ها و مسئولان بهداشتی باعث اضطراب می‌شود. ما عادت نداریم در شرایطی زندگی کنیم که به‌سرعت احتمالات تغییر می‌کنند. کافی است برای آنکه دراییم شرایط فعلی که میزان مبهم است، پاسخ وزیر بهداشت به دکتر مسعود نیلی را بخوانیم که به‌صراحت می‌گوید ما هنوز تمامی مسئولان بهداشتی کشورهای جهان از آینده عملکرد این ویروس چیزی نمی‌دانند. یادمان باشد که در دو ماه گذشته، چه میزان تغییر در دستورالعمل‌های بهداشتی ایجاد شده است. برای نمونه، می‌توان به لزوم ماسک برای افراد سالم اشاره کرد که ابتدا گفته شد نیازی نیست و اکنون گفته می‌شود که همه افراد سالم در اجتماعات به ماسک نیاز دارند. در چنین شرایط پرابهامی، از یک طرف با شهروندانی مواجهیم که خطر کرونا را به هیچ می‌گیرند و شهروندان دیگری که غیر از رعایت فاصله اجتماعی، از دو ماسک روی همه استفاده می‌کنند! چرا؟ «پیشاپ» می‌گوید ایدئال است که ما در مواجهه با ابهام از دیدگاهی استفاده کنیم که «یادگیری فاقد الگو» نامیده می‌شود. این دیدگاه اصولا براساس آزمون و خطاست؛ ما بر تجربیاتمان متکی هستیم و به‌تدریج برآوردهایمان را از میزان احتمال وقوع یک رویداد خطرناک نوسازی می‌کنیم. اینکه خطر چقدر نزدیک است و چه کارهایی باید انجام دهیم تا آن وقوع آن پیشگیری کنیم. اما شواسته، اغلب افراد در زمان نداشتن الگو برای نحوه مدیریت یک خطر، به یادگیری الگومحور گرایش پیدا می‌کنند؛ یعنی نمونه‌هایی را از گذشته‌شان به‌خاطر می‌آورند و براساس آن عمل کرده یا آنکه احتمالات آینده را در ذهن‌شان شبیه‌سازی می‌کنند. زمانی‌که براساس الگوی گذشته عمل

آکادمی

بابک زمانی
نورولوژیست

امکان پذیر کرده بودند؛ امکانات دیجیتالی‌ای که می‌توانستند بالقوه وضعیت عادلانه‌تر و سالم‌تری را برای تمام کره مسکون رقم بزنند!

بحران و تضادهای سرمایه در جهان امروز با تمسک به راه‌های مختلف مصرف‌گرایی و «تولید مصرف» توانسته بر بسیاری از بحران‌های اساسی خود فائق آید. کرونا با تعطیل‌کردن بسیاری از این مکانیسم‌ها، مثل توریسم با تمام ابعاد فزاینده‌اش و خیابان‌هایی که تنها جلوه و جلا می‌فروختند، می‌تواند ضربه‌ای سهمگین بر بنیاد سرمایه‌داری وارد کرده و تضادهای درونی آن را برملا کند.

سیستم سلامت کشور ما به‌عنوان نمونه‌ای از این مصرف‌گرایی به شمار می‌رود. اقتصاد سلامت درحالی‌که همچنان پای‌بست قوانین سرمایه‌داری، آن هم از نوع انکارشده‌اش است (که تاریخ نشان داده خطرناک‌تر است) و در تنگنای این سیستم رفته‌رفته توان تأمین نیازهای پایه سلامت را از دست می‌دهد، به‌طور ناخودآگاه و به شکلی اجتناب‌ناپذیر به اشکال مختلف آن مصرف‌گرایی پیش‌گفته متوسل شد که نه‌تنها در اشکال صاف و ساده آن (یعنی روش‌های متعدد گازمتیک) نمود پیدا می‌کرد، بلکه در خدمات اساسی‌تر هم از هسته واقعی و لازم آن عدول و به کارهایی پرداخت که در اصل چیزی به‌جز همان «تولید مصرف» نبودند. ویروس با زدودن تمام این اشکال، ولو به صورت موقت، ما را در شرایطی قرار داده که راهی به‌جز بازگشت به همان هسته‌های واقعی و مطلقا الزامی باقی نمانده است. باشد که همه از مسئولان تا پزشکان و مردم، با این واقعیت روبه‌رو شویم و این «از خودبیگانگی» و شکل اغراق‌آمیز این فتنیسم سرمایه‌دارانه را ببینیم و این کارگاه آموزشی بازگشت به خویش را مغتنم بشماریم.

تحلیل

آیا در زمانه کرونا جایی برای آرامش هست؟

مهدی ملک‌محمد - روان‌شناس

کنیم باور خواهیم داشت که کروناویروس نیز یا مانند دیگر ویروس‌ها ما را بیمار نخواهد کرد یا در صورت بیماری به‌راحتی از آن خواهیم گذشت، اما هنگامی که براساس شبیه‌سازی آینده عمل کنیم «سوگیری حضور» رخ خواهد داد و خطر را احتمالا بسیار بیشتر از حد معمول ارزیابی خواهیم کرد. برای مثال، هنگام شنیدن خبر سقوط هواپیمای خودمان را در آن پرواز تصور می‌کنیم و به همین دلیل خطر پرواز را بیشتر از حد معمول خواهیم دانست یا در زمانه کرونا خود را روی تخت بیمارستان خواهیم دید. درحالی‌که هر دو طرف این طیف، افراطی رفتار می‌کنند، انسان‌های بسیار دیگری هم هستند که چیز دیگری را تجربه می‌کنند: اضطراب حاد. کمی اضطراب در مواجهه با بحرانی مانند کرونا می‌تواند خوب باشد و باعث شود ششایی و انرژی‌مان برای رعایت پروتکل‌های بهداشتی افزایش یابد. همین اضطراب است که به ما یادآوری می‌کند دست‌هایمان را بشویم، به توصیه‌ها توجه کنیم و حتی مواد غذایی ضروری در خانه داشته باشیم. جنیفر هورنی، رئیس مؤسسه اپیدمیولوژی در دانشگاه دلاور و متخصص بهداشت عمومی تأکید می‌کند که کمی هراس می‌تواند مفید باشد تا افراد از دستورالعمل‌های بهداشتی پیروی کنند و باعث می‌شود بهتر درک کنیم که رفتار ما چقدر بر سلامتی دیگران تأثیرگذار است.

اما از سوی دیگر، اضطراب یک پدیده وحشتناک است که در طولانی‌مدت باعث رنج می‌شود. هر چه مضطرب‌تر می‌شویم سخت‌تر خواهیم بود که مغزمان را از حرکت به سوی هراس متوقف کنیم. تحقیقات نشان می‌دهند که استرس حاد می‌تواند بخش‌های استدلالی مغزمان را کوچک کند که این اتفاق در نهایت منجر به هراس می‌شود. روان‌شناسان تأکید می‌کنند که بدن‌های ما انسان‌ها واقعا برای زندگی با استرس‌ها و اضطراب‌های حاد میان‌مدت و طولانی‌مدت ساخته نشده‌اند. اگرچه این استرس‌ها برای یک مدت کوتاه به ما انرژی می‌دهند اما درنهایت ما را خسته و افسرده می‌کند. این خستگی در زمانه مواجهه با کروناویروس می‌تواند در نهایت پیامدهای جدی برای جامعه داشته باشد؛ اگر مردم در فرایند فاصله‌گذاری اجتماعی فرسوده شوند، قبل از آنکه همه‌گیری ویروس به پایان رسیده باشد به اجرای پروتکل‌ها بی‌اعتنا خواهند شد. بنابراین آرامش توصیه‌شده ازسوی سخنگوی دولت ایجاد نخواهد شد تا زمانی که مسئولان دولتی چنین بی‌محایا مبهم سخن می‌گویند و وزیر محترم بهداشت حاضر نیست با صراحت به مردم بگوید که فاصله‌گذاری هوشمند که به گفته ایشان رهایی‌میان

در وضعیت فعلی اقتصادی کشور است، علاوه بر نان مردم، سلامت آنها را نیز حفظ خواهد کرد و ما در هفته‌ها و ماه‌های آینده مجدداً این بیماری مواجه نخواهیم شد. همان‌طور که «هورنی» که در زمان همه‌گیری آنفولانزای H1N1 در آمریکا به گروه‌های مختلف واکنش سریع را آموزش می‌داد، می‌گوید کاهش ابهام برای تضمین اینکه مداخلات ما مؤثر هستند، کلیدی است.

در یک کلام، راه مشخص است: آرامش مردم را

اطمینان مسئولان ایجاد می‌کند. اگر مسئولان اطمینانی

ندارند پس امید آرامش در جامعه جز توصیه‌ای از برج

عاج چیز دیگری تلقی نخواهد شد.

زیر سقف کرونا

کرونا وفاصله بین نسل‌ها

نبی‌اله عشقی‌ثانی - استاد دانشگاه

● فاصله بین‌نسل‌ها، موضوعی نسبتاً قدیمی است که در محافل و مجامع علمی ازسوی کارشناسان امور اجتماعی بررسی می‌شود و تأثیرات آن به میزانی است که مردم عادی کوچه و بازار نیز درباره آن به گفت‌وگو و مجادله می‌پردازند.

در کشور ما بالاافتن سن ازدواج و کمبود شغل باعث شده تا جوانان با حدود ۳۰ سال اختلاف سن با والدین خود با هم زندگی کنند، درحالی‌که در گذشته جوانان با رسیدن به ۳۰ سالگی صاحب شغل شده و ازدواج می‌کردند و برای خود زندگی مستقلی تشکیل می‌دادند.

این اختلاف سن با خودش اختلاف خواسته و سلیقه و انتظارات هم می‌آورد که باعث شده فاصله بین‌نسلی بیشتر و در ابعادی جدید مطرح شود و بر دامنه چالش‌های خانوادگی بیفزاید.

تغییرات تکنولوژیک و مدرنیسم هم به این تفاوت‌ها افزوده است، موضوع عمق بیشتری پیدا کرده و بر دامنه این فاصله اضافه شده است و چون بیشتر مردم با آن مواجه‌اند همیشه مطرح است.

این روزها اعضای خانواده‌ها به‌دلیل همه‌گیری بیماری کرونا و قرنطینه‌شدن خانواده‌ها به‌ناچار اوقات زیادی را در کنار یکدیگر به‌سر می‌برند، فرصت کافی دارند که یکدیگر را بیشتر برانداز کنند و به حرف‌های هم گوش دهند، اعضای خانواده ملاحظه می‌کنند و متوجه می‌شوند این آدم‌هایی که عاشقانه و صمیمانه با هم زندگی و سلوک می‌کنند در خیلی از موارد نظرات ناهمگون و متفاوتی دارند. بعضاً از این همه فاصله‌ای‌که در فهم و تبیین مفاهیم مشترک بین‌شان وجود دارد متعجب می‌شوند.

بزرگ‌ترها برای فهمیدن و درک فرزند خود نیازمند تعمق و بررسی یکدیگر هستند، از خودشان می‌پرسند چگونه است که ما سالیان بسیاری در یک خانه زندگی کردیم، کنار یک سفره نشستیم و غذا خوردیم درحالی‌که نمی‌دانستیم فرزندانم نگاهی این چنین متفاوت از ما دارد، راستی ما را چه شده است که تا بدین حد از هم فاصله گرفته‌ایم؟

آیا دلیل آن تفاوت جنسیت، ویژگی خلقی، انتظارات، تحصیلات و دیگر خصوصیات است یا فقط به‌خاطر فاصله سنی است؟

وقتی تفاوت‌ها و سبک زندگی والدین و فرزندان را بررسی می‌کنیم متوجه می‌شویم که



جوانان نگاهشان به جلو است، به مسیری که باید طی کنند، آرزوهایی که می‌خواهند بدان برسند، قله‌هایی که برای فتح آن رؤیاپردازی می‌کنند، چیزی را مانع حوصلشان به موفقیت نمی‌دانند گاهی از کاخ خیالاتشان بالا می‌روند و خود را غرق در شادی و نشاط می‌بینند، بعد مانعی جلوشان سبز می‌شود و آنها را متوقف می‌کنند. چون تجربه کافی ندارند نامید و ناسازگار می‌شوند و به والدینشان غر می‌زنند. بزرگ‌ترها دوران آرزوبروری‌شان را سپری کرده‌اند، آرزوی امروزشان موفقیت و دستیابی فرزندان‌شان به خواسته‌ها و انتظاراتشان است. وسیله ارتباطی‌شان را رادیو و تلویزیون است که سرگرم آن هستند، به دیدن اخبار و سریال‌های داخلی دلخوشند و پیگیر آن هستند. درحالی‌که جوانان برنامه‌های دیگر کانال‌ها را تعقیب می‌کنند، به‌دنبال دنیای مجازی هستند و سرگرمی‌های خودشان را دارند.

بزرگ‌ترها دوست دارند غذاهای سنتی بخورند درحالی‌که جوانان میل به غذاهای فست‌فودی دارند.

بزرگ‌ترها صبح‌ها زود بیدار می‌شوند، صبحانه را آماده می‌کنند و فرزندان‌شان را صدا می‌زنند که «بیدار شوید، به کارتان برسید...» در شرایطی که بزرگ‌ترها شب زود خوابیده‌اند و صبح زود بیدارشدنشان عادی است، اما جوانان تا پاسی از شب بیدارند و بیشتر در دنیای مجازی با دوستان‌شان و دیگر سرگرمی‌هایشان مشغول‌اند و دیر می‌خوابند.

اکنون کرونا این خانواده‌های متشکل از افرادی با خواسته‌ها و سلیقه‌های متفاوت و سبک زندگی شایسته متضاد را برای اوقات طولانی کنار یکدیگر قرار داده است.

سلوک چنین افرادی کنار یکدیگر مهارت زندگی ویژه و اصول ارتباطی خاصی را می‌طلبد که قبلا آموزش داده نشده و مردم برای آن آمادگی ندارند؛ بنابراین از رسانه ملی انتظار می‌رود برای آموزش این سبک زندگی در شرایط ویژه با کمک استادان و کارشناسان مرتبط برنامه‌هایی مناسب تهیه شود تا فاصله بین‌نسلی به موضوعی برای چالش بیشتر بین خانواده‌ها تبدیل نشود و همبستگی خانوادگی افزایش یابد.